

روایتگر تلخ‌ترین شب ضاحیه

«امیر داسارگر» کارگردان جوان کشورمان که در اوج بیماری از رژیم صهیونیستی در ضاحیه بیروت بوده از تجربه‌ی یسته‌اش در میان مردم این منطقه و لبنان می‌گوید

ZENDEGI-SALAM

ضمیمہ روزنامہ خراسان

شنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۳
اول ربیع الثانی ۱۴۴۶ • ۱۵ اکتبر ۲۰۲۴
شماره ۲۱۵۹۹

٢٨١٨

در این مردم ترس، ناشکری و هرج و مرج ندیدم

خلوت‌تر بودو کسبو کارها هر وقت، مردم فکر جای امنی
برای من و بچه‌هاش بودند به کار فکر نمی کردند. عافانه
دارد در مناطقی که مور تهدید است را خالی می کنند و
جایه‌جای می شوند. به‌ر حال کسی نمی خواهد دیز موشک
بماند. با همه ای هادر این مردم ترس، ناشکری، تنش
و هر چه و هر چه دیدیم، به نظر من صلابت و عزت خودشان را
خیلی خیلی حفظ کردند و صادقانه حس می کنم خیلی
به‌مقام است اعتماد دارند.

از داسار گرمی پرسم روزهایی که در ضاحیه بودید چطور گذشت؟ می گوید: «روز مهمی نیستی بعد از حدود یک سال کشتار در غزه یک تالوی تمام عیار و شست و شوی در سیم کرده مثل این است که به شما شبیه فیلم های هالیوودی بگویند یک موجود وحشتناک در مردم شهر کناری تان را سلاخی کرده است و حالا دارم در سمت جنوب می شوی. اما خب، این چه حالتی در شهر دوم می باشد؟»

کوچه‌ها باریک است و محله متراکم

کرده بود، دیدم، شکوه در گیری داخلی دیدم. در بین مردم هم اتفاقات خوبی افتاده، آن‌هایی که مکان امن‌تری دارند دست به کار شدند و برای کسانی که آواره شدند چه کار خوب و چه مجبور شدند خانه‌هایشان را در ضاحیه ترک کنند. برای اسکان آن‌ها و... کار‌هایی می‌کنند. من خودم نتوانستم به پهنولی خیلی شنیدم در مناطق مسیحی نشین و اوایل سنت مردم دست به کار شدند و در کلیسا، مدرسه‌ها و روز و روز شنگه‌ها بار کردند تا این مردم یک جای امن داشته باشند. «این‌ها صحبت‌های کارگردان فیلم سینمایی منطقه پرواز ممنوع است که فیلمش در ضاحیه بیروت در سینما روی‌روی بازار که شاید الان در دسترس نباشد اکران شده بود.

«بخشی از مردم ضاحیه او را گان فلسطینی هستند که سال‌هاست از سرزمین خود، رانده شدند. جای دیگری در آن ده که بن‌آب پناه برند و روز گذشته شان همیشه به جنگ فکر کردند.» آن‌ها جنگ را در ۱۳۳۳ که جنگ سستی می‌بوده است را به خاطر دارند. نمی‌دانم ضاحیه را دیدید یا نه؟ همان‌دیو و منطقه بسیار مترامی است، جوری که به آیتان‌های شش، هفت طبقه با فاصله‌های بسیار کم از همدیگر قرار دارند و مثلاً در یک محدوده صد متر در صد متر، شش آیتان‌های هفت طبقه قرار گرفته است. کوه‌ها بسیار با یک‌دیگر هم‌چای است از موتور سیکلت‌های کم‌قیمت. البته هم تصویر لبنان را، امروز‌های گذشته خیلی هم تصویرهایی که از غزه بیرون می‌آمد دنیا را متحیر

۳، ۴ ساختمان به تلی از خاک تبدیل شد

ساختمان به تلی از خاک تبدیل شده و ساختمان های اطراف هم آسیب دیده بود. کدام منطق و چار چوبی این اتفاق را می پذیرد؟ امداد گرها و آتش نشان ها آن جا بودند. بعضی ها هم داشتند دنبال زخمی ها می گشتند. تعدادی هم که در ساختمان های اطراف زندگی می کردند با یک حالت شوک از ساختمان ها خارج می شدند و می دویدند. من تا آن موقع، چنین منظره های ندیده بودم، اما همه امبولانس و گروه امدادی و جاله عمیقی که ایجاد شده بود، چیزهایی می سوخت و دود می کرد. خانه های می سوختند و چند پیکری که می دیدم اتفاقی که داشت برپا می شد را می دیدم. آن جا با یک یکسکان شده بود. ما باز ژیمی طرف هستیم که هیچ چار چوبی ندارد.

«داسارگر» هنوز متأثر از سکناس‌های واقعی است که در ضاحیه دیده. با گریزی به بمباران چند تنی در ضاحیه آن شب را این‌طور تعریف می‌کند: «شامگاه جمعه یعنی زور تروم سید حسن نصرا... من ضاحیه بودم در فاصله ۷۰۰ متری از آنجا. مثل یک بوم‌باز در خیابان بزرگ بود. جوری که من حس کردم این حادثه مربوط به کوچه کنار من است. وقتی چشم‌مان دید که این حادثه با ما فاصله دارد متحیر بودیم که این چه بود که باعث شد ما فکر کنیم در کنار ما دارد اتفاق می‌افتد. یعنی حس می‌کردیم هر آن ممکن است که بمب‌ها روی ما ریخته شود. حادثه وحشتناکی بود. آن اطراف از منطقه مسکونی نبود و من دیدم که کمتر از ۱۰ دقیقه خودم را به آن جا رساندم. سه، چهار

[illegible]

واحد صفحه آرایي روزنامه خراسان
سفرش می پذیرد

صفحه آرایي

۰۵۱۳۷۰۹۳۹۰
 ۰۵۱۳۷۰۹۳۹۰
 layout@khorasannews.com

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]

فریده ندافیان | روزنامه نگار

پرونده

«مردم لبنان این روزها سواست یک جنگ بزرگ هستند و شرایط حتی با یک ماه پیش متفاوت است»؛ این‌ها را «امیر داسارگر» کارگردان جوان فیلم «منطقه پرواز ممنوع» که این روزها در لبنان است در وصف آن چه بر جنوب لبنان و ضاحیه می‌گذرد، می‌گوید. او یک دهه دهمه شخصی است و برای تحقیق و پژوهش در باره داده یک فیلم که قرار بود بخشی از آن را در لبنان بسازد، بدین کشور سفر کرده بود. «داسارگر» تا قبل از هشتم مهر ماه در کوچه پس کوچه‌های ضاحیه قدم می‌زده است و در شامگاه جمعه و بمباران سنگین رژیم صهیونیستی به ضاحیه تنها چند خیابان با آن جافاصله داشته است. از او خواستیم تا در این پرونده روایتگر آن چیزی باشد که از سبک زندگی مردم ضاحیه و لبنان دیده است. بی‌عنی است بخشی از این روایت‌ها به توصیف زمانی برمی‌گردد که ضاحیه می‌توانست نقطه امنی برای ساکنانش باشد.

بیوندهای خانوادگی یک جامعه دوست داشتنی ساخته است

کارگردان جوان فیلم «منطقه پرواز ممنوع» در بار ویژگی های مردم لبنان می گوید: «وقتی وارد این جامعه می شوید به خصوص روزهایی که جنگ به معنی بمباران در جریان نیست لذتی می برید از در کنار این مردم بودن. از صمیمیت، مهریاری و مهمان نوازی شان. مثلاً موضوع ساخته برای خانواده های ایرانی در تربیت فرزند، خانه و زندگی خیلی اهمیت دارد. در لبنان هم مردم

از پیرمرد ها تا مدرن ترین زوج ها به روح مقاومت اعتقاد دارند

داشتند. مردم را در این موضوع ثابت قدم می دانم.» این ها بخشی از تجربه زیسته کارگردان جوان در لبنان و ضاحیه است.



اولین بار ۸ سال پیش به لبنان سفر کردم و بارها به خاطر کارم چه در ضاحیه چه در جنوب لبنان به خانه‌های مردم رفتم. این فرصت را داشتم که با مردم معاشرت کنم؛ از خانه‌یک پسر ۱۰،۷۰ ساله بگیرد که مربوط به قبل از تأسیس حزب... است و بعد هم سال‌هایی که تحت اشغال رژیم صهیونیستی زندگی می‌کردند تا مدرن‌ترین و جوان‌ترین زوج‌ها. با همه این‌ها نشست‌وبرخاست داشتم و خواهم شد که برای این کار ادامه بدهم. جالب است که از روح مقاومت، اعتقاد راسخ برای ایستادن جلوی رژیم صهیونیستی و مسئله فلسطین در اکثریت این جامعه بدون تفاوت زیادی وجود دارد. ما گاهی در جامعه خودمان از شکاف‌نسل صحت می‌کنیم ولی در لبنان نمی‌خواهم بگویم یک پیرزن ۷۰ ساله با دختر ۲۰ ساله تفاوتی ندارد و اما وقتی آن‌ها صحبت می‌کنند، می‌بینید خیلی به مسئله نزدیک‌تر است، خودشان را مسئول‌تر می‌دانند و حضور فعالانه‌تری دارد. شاید هم یک دلیلش به قول معروف زندگی در دامنه‌اشفان است؛ یعنی جایی که انسان در معرض خطر و تهدید است، دائم یاد می‌آید و این‌جاست که سسل‌های قبل از خودت شنیدی که چه زندگی پر مشقت و پوینجی

ضاحیه همیشه شلوغ،
پراز زندگی، تلاش و
کار بود

«لبنان برای من قبل از

پیدامی کند. منطقه‌ای
در حاشیه جنوبی
بیروت». داسارگر با این
مقدمه به سراغ روایتش
از آن چه در این منطقه دیده،

می‌رود: «اصاحبه همیشه تسلو،
پرز از ندگی، تلاش و کار بود. با چاشنی
وقت و خوی و خاصیت سرزمین. این بار
وختی وارد ضاحیه شدم قضیه با خبر تروره
سنگین تر از قبل بود. اما باز هم شروع کرد
به قدم زدن. مردم آن ۳۰-۴۰ سال اسدم
دارند در این فضا؛ ندگی می کنند. وقتی
دارید در قبرستان قدم می زنید به تعبیری
از دوستان و اقوام و سالی نیست که در آن
شهادت داده باشند. برای همین می شود
به لبنان سرزمین شهادت گفت. مسئله
ما برهه دایمی، هزینه دادن و شهید دادن
برای آن هاست یک امروز مره، جاری است.
به نظر کم تر مردم در دنیا پیدا می شوند
که این قدر صبور، محکم و مقاوم تر ندگی
کنند. خور و خون خوار ترین آدم های کل
تاریخ ندگی کنند».

صفحه آرایي

سفرش می پذیرد
واحد صفحه آرای روزنامه خراسان

☎. 5137. . 939.

✉ layout@khorasannews.com

۱۴۰۳/۰۷/۲۲

۱۴۰۳/۰۱
احمد جمانگہ، رئیس، ثبت اسناد و املاک کاشمیر

۱۴۰۳/۰۷
احمد حمزنگی، رئیس، ثبت اسناد و املاک کاشمر